

آزادسازی آذربایجان از سلطه فرقه دمکرات

درباره خیزش مردم آذربایجان و زلاکون ساختن حکومت فرقه دمکرات پیشه‌وری در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۵، و بی تفاوتی حکومت کنونی و رسانه‌های گروهی، بویژه صدا و سیما، در طی سالیهای گذشته نسبت به آرزوی رویداد ملی، از سوی رویداد ملی، توجهی از هم وطنان آذربایجانی ندانگاری به نشریه داده شده و نوشته‌هایی فرستاده شده است که بدلیل محدود بودن صفحه‌های پیام، با پورش با همگان، به ناگزیر فقط بخشی از نامه آقای میرمحمد بنی‌هاشم از شخصیت‌های فرهنگی و نویسندگان سرشناس آن سرزمین پرفرغ، که در تمامی درازانی تاریخ، مردم آن آماده دفاع از یکپارچگی، استقلال و آزادی و سرفرازی ایران و ایرانیت، و از آفرینندگان فرهنگ پربرایان این کشور، و توان بخشیده و زبان ملی، بوده اند را در زیر نقل می‌کنیم. مقدمه نامه ایشان، چه گوینگی رویداد تجزیه یکساله آذربایجان بر پایه طرح و حمایت ارتش شوروی، به منظور اعمال فشار بر ایران برای تسلیم شدن به خواسته‌های شوروی، و نیز تجاوزگرهای پیشه‌وری و اعضای فرقه دمکرات به مردم نامه چنین است:

پیشه‌وری از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ به مدت یک سال با حمایت ارتش شوروی و بیرون اسلحه در آذربایجان بنام فرقه دمکرات حکومت کرده و ترتیب و مقامات شوروی را نمود می‌کرد که مردم با آنها هستند. لیکن در زمان رحلت حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن مصطفی‌ارده) که اخیر در شهر تبریز پیچید، ناگهان شهر به عزانه و ماتمکنه تبدیل شد. انکار که قیامت گیری اتفاق افتاده است. می‌گویند سرکنسول روس به

این صحنه‌ها مدام و مبهوت ماند و پیشه‌وری را خواسته پرسش کرد می‌گوید: این چه وضعی است که شما به ما وروده داده اید!! این هزاران عزاراد سپاه‌پوش که به سر و سینه می‌زنند، کیستند؟ شما با این همه فدایی و قشون مسلح و مأموران مخفی چطور توانستید این جلدانه را پیش‌بینی و از وقوع آن جلوگیری کنید؟ پیشه‌وری در پاسخ عاجز ماند، ولی از هم‌راهان به سرکنسول روس گفته اند: «هیچ نیرویی نمی‌تواند جلوی احساسات مسلمانان را بگیرد. این شخص که فوت کرده مرجع تقلید شیعیان جهان بود. سرکنسول می‌گوید، کمونیست این چیزها را قبول ندارد، یک فرد کمونیست جز به رهبر حزب به چیزی نمی‌اندیشد، معلوم می‌شود تمام گزارشهایی که به کنسولخانه داده شده دروغ محض بوده‌است. در واقع «استالین» با آگاهی از این احساسات دینی ملی و اعتقادات مردم، قرارداد نفت را با قوام‌سلطنه و خروج روسها را از آذربایجان، و تخریب دای راهی از این بن‌بست، را اضافه کرده بود. به محض خروج روسها از آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، طغیان وطن پرستان جوانان آذربایجان در تمام شهرها و روستاها بر علیه حکومت پویشالی و سرکنسول پیشه‌وری آغاز شده و سران فرقه بنای فرات را بسوی روسیه گذاشته و آذربایجان توسط وطن پرستان آزاد و پرچم وحدت ملی ایران بدست مردم پروراشته شد.

مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالله محمدجندی در خاطرات خود می‌نویسد (ص ۳۵۴) به پنجاه و یک آذر ۱۳۲۵: «باصدای لایطیع تیر از خواب بیدار شدیم که اوضاع یکی را متعجب شده‌اند. اهل بر علیه حکومت پیشه‌وری قیام نموده و رهبری برکشف شده‌اند، فدایی‌ها با مهاجران را خلع سلاح نموده و دسته مسته‌فهم شهر که مسلح شده‌اند مشغول تعقیب و دستگیری و قتل و سران سرکردگان آنها می‌باشند. پیشه‌وری فرار کرده است. نطقه به تصرف شهر در آمده‌است و مهاجرهایی که در خانه‌های مسافده شده اشکان داده بودند بیرون ریخته شده‌اند. از هر طرف

صدای تیر و تفنگ و پلوتاجه و مسلح به که خوبی از همدیگر تمایز برده‌اند، شنیده می‌شد.

سالگرد روز بیست و یک آذر ۱۳۲۵ بر عموم ایرانیان، بویژه مردم آذربایجان، مبارک باد.

شاوران استاد «محمد قاضی» خطاب به دژعیمان از زبان «آذربایجان» و مردم آن چنین بیان می‌کنند:

من آن خطه آذر ایلامی، که ایران نوابد و نام و چشم و جانم نه ترکم، که پرورده ادریشم نه ترکم، که محبوب ادریشم

بزرگان من، فخر ایران زمینت از امروز و از دوره باستانم، با هیچ خلخالی؛

من آن خاک بلاخیز بلادرنگ ایرانم من آذربایجانم، پرورشگاه دلیرانم بگو با خصم من، تاریخ علم با بدقت خوان که دلمی من بپندارنده، تاریخ ایرانم

من اینچنگیزان شایسته فراوانم و اینک نه چنگیز است ولی منشمن، من آن دیرینه‌سنانم من از گد سستور لشکر تکران خمتانی

من لکم خوردم و نگذاشتم گردی بدمانم من اندر سخت جانی، شهرت دنیای دیرینم من بنداری، مجارستانم و چین و لهماثم!

من آذربایجانم، لایطونم، من آن تیرمس اگر ایران ما جمس است، من در جسم او جانم

من از کسانم منشور استقلال ایران را به خون پاک خود، کان موجهه دارد بشریانم

نه از طفلی که نوشد، شکر بیرون آرم پستانم

خاتمی باید در سفر پاکستان به عملکرد آن ایداد نقدی داشته باشد

مذهبی فکری و نظامی، اختاری که طالبان را ایداد کرد، در گذشته اعمال است. تاکید کرد، بخشی از نیروهای مذهبی که امروز در غالب شش جریان کنار هم آمده‌اند، نه سازمانی سیاسی با توانایی نقش آفرینی در صحنه‌ی سیاسی پاکستان تسبیل شده‌اند، از حمایت کامل ارتش خوددرازند. ارتش پاکستان تثبیت قدرت خود، و دور ساختن د حزب مردم و مسلم لیگ، در شکل دولتی متکی به رأی مردم، این جریان و شایسته وابسته به خود در سرکسلیگ دارد ناسطه خویش را حفظ کند. پدیده‌ای که مهندسی بر یک ایران کرد درمسالار خواهد بود.

ایران باید توجه داشته باشد که در عملکرد و برخورد خود با سیاست پاکستان، این کشور را متوجه سازد که می‌تواند منابع

خود را روانه‌ی بگرد و بیایدافغانستان، چه در صورت مغایرت ایران و ایران به درزهای بخش جنوب غربی افغانستان با ایران، اسباب خود جوشش کار سازمان و باج خودنامه می‌کند.

ایران باید فراموشی، «هنوز گروه‌هایی که مورد حمایت پاکستان بودند در منطقه‌ی جنوب، جنوب شرقی و بخشی از جنوب غربی افغانستان مشکل ایجاد می‌کنند و حتی در

افغانستان به رو در رویی می‌پردازند و این همواره می‌تواند محیط مستعنی را در درزهای خاوری ایران بوجود آورد که در این زمینه ایران باید خودرا مذاکرات روشن و شفاف قابل کنترل از سوی پاکستان باشد. در غیر این صورت، این عوامل وجود دارد که بار دیگر پاکستان از موقعیت سیاسی کنونی‌اش بهره‌گیرد و بتواند مدتی وزن و موقعیت سیاسی خود را

به امتیاز که با کشور بزرگ همسایه‌ی خود به تقاضم دست یافته در منطقه تثبیت کند، که در عمل در مسیر این تقاضم هیچ گامی برندارد.

دکتر روجوانند آمده‌اند: پاکستان افغانستان را حیاط خلوت خود می‌داند و متعقد است اگر در افغانستان سلطت داشته باشد می‌تواند از موقعیت موقعی‌های مناسب برخوردار باشد، زیرا بویژه

از طریق افغانستان می‌تواند روابط خود را با بخش‌های آسیای مرکزی برقرار کند. به همین دلیل، از زمان آغاز دگیری‌ها در افغانستان، مهمترین نیرویی که در آنجا برای خود قدرت مأمور به وجود آورد پاکستان بود که هم حمایت آمریکا و انگلستان هم حمایت‌های مالی عربستان و کشورهای حوزة خلیج فارس را به دلیل اختلاف مذهبی با و روابط سیاسی که

فارس را در زمان در نزدیکی با آمریکا و انگلستان گذارند سعی می‌کردند امکاناتی مناسب را در اختیار پاکستان گذارند تا

پاکستان بتواند در افغانستان نفوذ فعلی داشته باشد. این عامل همگام با ناخبردی‌های دیپلماسی ایران در قبال مساله افغانستان عملکرد گروه‌های گوناگون از ارکان‌های مختلف جمهوری اسلامی که در آنجا فعال بودند، می‌تواند کسی که ارتش،

کلمت افغانستان، که دارای پیوندهای قوی با ملت ایران هستند، فقط اقلیت شیعه را مورد حمایت قرار دهند، موجب شد که

پاکستان در افغانستان سلطه پیدا و بتواند سال‌های طولانی در آنجا به بهره‌برداری‌های فراوان دست پیدا کند.

دکتر روجوانند با بیان اینکه پاکستان در افغانستان نامرحله‌ای پیش رفت که نتوانست بخش عمده‌ای از افغانستان را به نام

طالبان زیر سلطه بگیرد، تصریح کرد، به تظاهرات مدارک مختلف از جمله روزنامه‌های خود پاکستان شاهد آن بودیم که ارتش، دستگام لیبستیکی و جنگ افزار پاکستان بود که برای شکستن مقاومت ملت و مستقر کردن یک گروه واپس گرای مزدور در

افغانستان تلاش می‌کرد.

وی معتقد است پاکستان حتی در یک لحظه و برهه‌ی زمانی در مسیر تحریک کرده که روابط حسن محفظه را با ایران مدنظر قرار دهد، و در هر فرصت و موقعیتی که توسته، به منافع

ایران لطمه دهد اما همواره حاکمیت ایران در مقابل پاکستان کوتاه می‌آید و در تمامی موارد سعی کرده قدری‌های پاکستان را بایزاری

دکتر روجوانند، عضو رهبری و سخنگوی همه‌جملی ایران در گفتگو با اینسایا اظهار کرد: روابط با پاکستان، مانند روابط ایران با سایر کشورهای پیرامونی، دارای اهمیت ویژه است.

وی اشاره به تاریخ ایجاد کشور پاکستان، خاطر نشان کرد: زمانی که استعمار انگلستان می‌خواست از شبه‌قاره بیرون برود

برای دور نگهداشتن هند از توانمندی‌های هند، و بهبود موقعیت خود در رابطه با دیگر کشورهای جهان، اقداماتی برای پدید آوردن یک کشور جدید با تجزیه بخش هند به عنوان

پاکستان انجام داد، و آغاز پاکستان شامل بخش خاوری و باختری بود که سرترام بنگالاش (بخش خاوری) طی جنگی

و که جنگ میان هند با پاکستان بود.

پاکستان با وجود شرایط بد اقتصادی‌اش ای مورد حمایت غرب قرار گرفت تا بتواند به سلاح اتمی دست پیدا کند. دیپلماسی

جمهوری اسلامی ایران به عنوان منبع تقویت این عملیات نظامی، بی‌گونه‌ای از این مساله استقبال کرد.

به گفته وی، پاکستان بر پایه‌ی ضوابط تاریخی حاکم بر شکل گرفتن کلمت جدید که با داری‌های ویژگی‌های خاص داشت، و توانمند به ساختار واقعی کلمت بینجامند ایجاد شد.

دگری‌های خود با بینمردستان پاکستان در طول تاریخ خود، با بخش خاوری خود و به هندوستان همیشه عامل دست در منطقه بوده است.

در جامعه‌ی پاکستان پدیده قومیت‌ها با مذاهب به گونه‌ی ویژه خود نقش آفرین است و با بسیاری از مشاغل‌ها دیگر قابل مقایسه نیست. ستادور حضور گسترده‌ی و هابیت

هزینه‌های سنگینی که قدرت‌های نفتی حوزة خلیج فارس در آنجا هزینه کرده‌اند، پدایش جریان‌هایی مانند اقله‌عد و طالبان در افغانستان بوده است.

سیس با اشاره به اینکه هنوز مدراس مذهبی با آموزشهای